

هوگو در کنسرت آقای خرس

دیوید لیچفیلد پیام ابراهیمی



ناشر خیلی متفاوت کتاب‌های کودک و نوجوان!

سرشناسه: لیچفیلد، دیوید، ۱۹۷۵ - م.

Litchfield, David

عنوان و نام پدیدآور: هوگو در کنسرت آقای خرس / نویسنده و تصویرگر: دیوید لیچفیلد؛ مترجم: پیام ابراهیمی.

مشخصات نشر: تهران: نشر پرتقال، ۱۳۹۹.

مشخصات ظاهری: ۳۹ ص.: مصور (رنگی). ۲۹×۲۲ س.م.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۶۲-۹۵۷-۷

وضعیت فهرست‌نویسی: فیپا

یادداشت: عنوان اصلی: The bear, the piano, the dog, and the fiddle, 2017.

یادداشت: گروه سنی: ب.

موضوع: موسیقی‌دانان -- داستان

موضوع: Musicians -- Fiction

موضوع: حسد

موضوع: Envy

موضوع: دوستی -- داستان

موضوع: Friendship -- Fiction

شناسه‌ی افزوده: ابراهیمی، پیام، ۱۳۶۷ - ، مترجم

رده‌بندی دیوپی: ۷۸۰دا

شماره‌ی کتاب‌شناسی ملی: ۶۲۱۷۷۳۲

۷۱۶۵۵۰۱



انتشارات پرتقال

هوگو در کنسرت آقای خرس

نویسنده و تصویرگر: دیوید لیچفیلد

مترجم: پیام ابراهیمی

ویراستار: سارا طباطبایی

طراح جلد نسخه‌ی فارسی: نیلوفر مرادی

آماده‌سازی و صفحه‌آرایی: آتلیه‌ی پرتقال / زهرا گنجی - آزاده توماج‌نیا - سجاد قربانی - مینا فیضی

مشاور فنی چاپ: حسن مستقیمی

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۶۲-۹۵۷-۷

نوبت چاپ: اول - ۹۹

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: شادرنگ

قیمت: ۲۹۰۰۰ تومان



۳۰۰۰۶۳۵۶۴




۰۲۱-۶۳۵۶۴



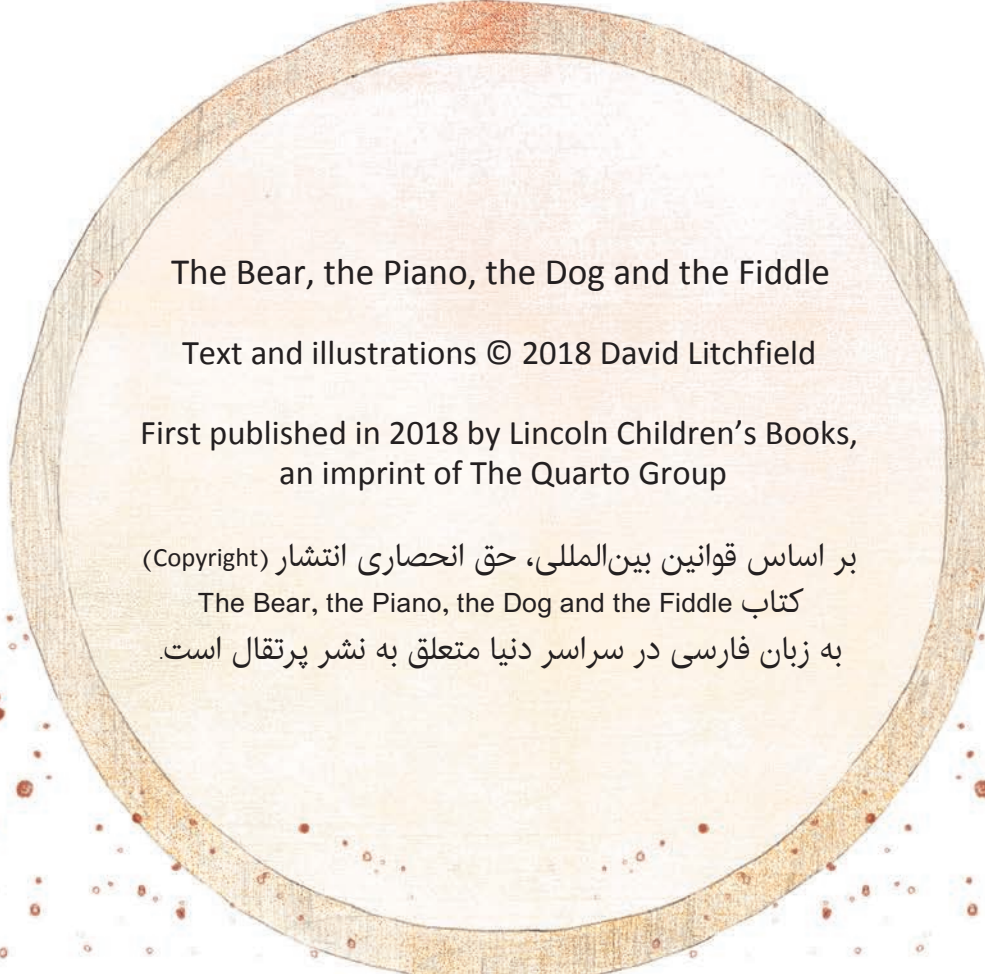
www.porthaal.com



kids@porthaal.com



برای کیتی، بن و جورج
دل



The Bear, the Piano, the Dog and the Fiddle

Text and illustrations © 2018 David Litchfield

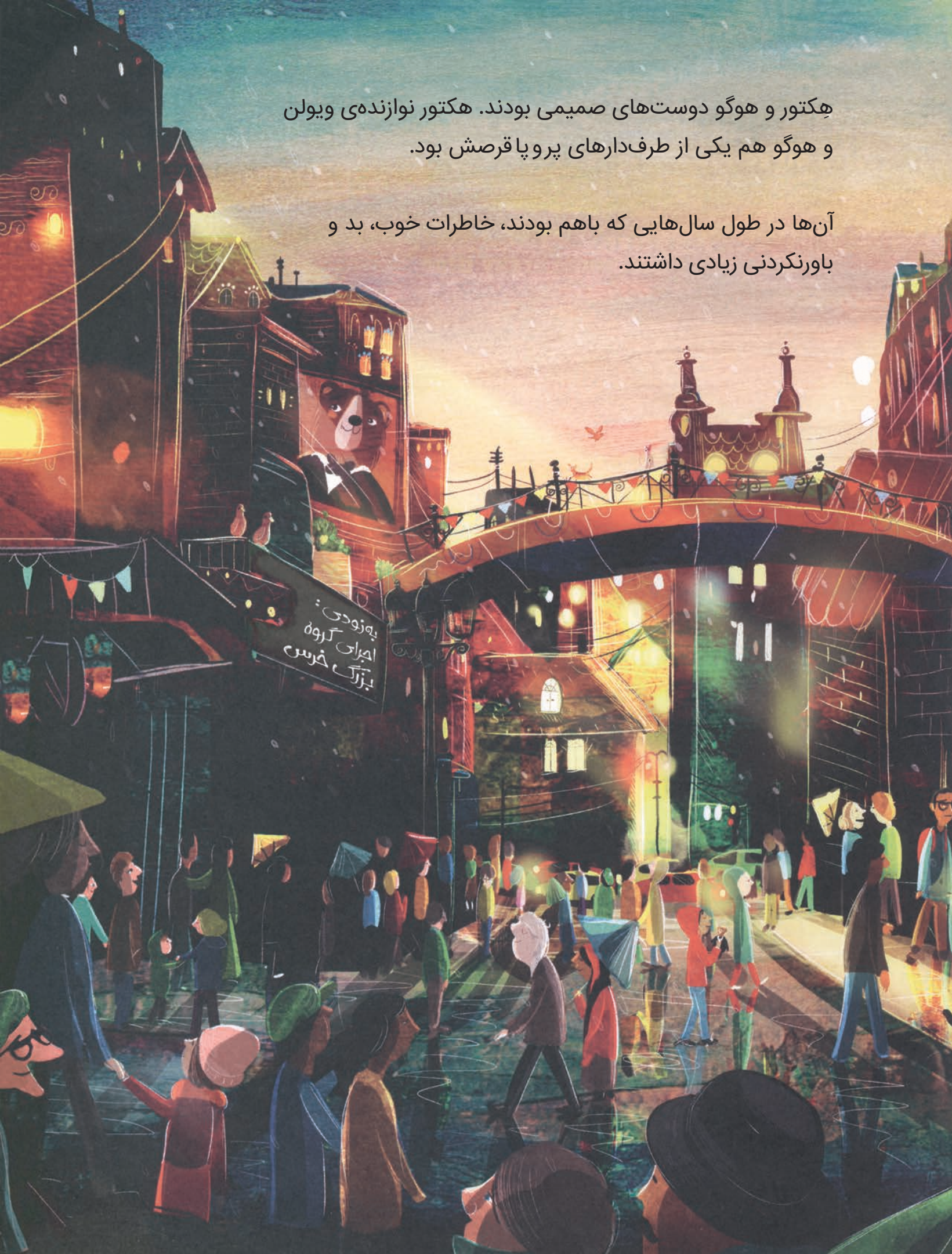
First published in 2018 by Lincoln Children's Books,
an imprint of The Quarto Group

بر اساس قوانین بین‌المللی، حق انحصاری انتشار (Copyright)
The Bear, the Piano, the Dog and the Fiddle کتاب
به زبان فارسی در سراسر دنیا متعلق به نشر پرتقال است.



هکتور و هوگو دوست‌های صمیمی بودند. هکتور نوازنده‌ی ویولن
و هوگو هم یکی از طرفدارهای پروپاقرصش بود.

آن‌ها در طول سال‌هایی که باهم بودند، خاطرات خوب، بد و
باورنکردنی زیادی داشتند.





ولی این روزها اوضاع خوب پیش نمی‌رفت.
همان‌طور که به سمت خانه قدم می‌زدند، هکتور گفت: «حالا چه‌کار
کنیم هوگو؟ اجراهای من دیگر تازگی ندارند. وقتی مردم می‌توانند به
کنسرت پیانوی خرس معروف بروند، دیگر چه کسی دلش می‌خواهد
به اجرای نوازنده‌ی پیری مثل من گوش بدهد؟»

هوگو پارس کرد تا به هکتور بفهماند که او هنوز دلش می‌خواهد به اجرای هکتور گوش بدهد.
ولی هکتور فقط آه کشید.

هکتور گفت: «من دیگر برای این کارها پیر شده‌ام، پسر! فکر کنم دیگر هیچ وقت
نمی‌توانم به آرزویم برسم و توی یک سالن بزرگ کنسرت اجرا کنم.»

هکتور این را گفت و ویولنش را برای همیشه بست و کنار گذاشت.

